

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال دهم، شماره‌ی چهارم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۰۳-۱۳۱
(مقاله علمی - پژوهشی)

تأثیر اقدامات رضاشاه در وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کلیمیان

ذکرالله محمدی،^۱ آمنه شاهمرادی^۲

چکیده

دوران رضاشاه را شاید بتوان نقطه‌ی عطفی در وضعیت کلیمیان ایران دانست. با روی کار آمدن رضاشاه، وضعیت زندگی اجتماعی کلیمیان تغییر یافت. بعد از پیروزی مشروطه طبق اصل برابری که در قانون اساسی گنجانده شده بود، تمام ایرانیان فارغ از مذهبشان، در برابر قانون یکسان بودند و این مسئله در ایجاد تحول در لایه‌های جامعه‌ی ایران، به خصوص اقلیت‌ها، مسئله‌ای مهم بود. پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد، به این پرسش پاسخ دهد که اصلاحات و اقدامات رضاشاه چه تأثیری در وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کلیمیان داشت؟ دستاورد این پژوهش نشان می‌دهد که اقدامات رضاشاه، پیامدهای مثبت و منفی در روند مدرن‌سازی برای کلیمیان داشت. اقدامات رضاشاه امکان جابه‌جایی طبقات جامعه‌ی کلیمی را از فرودستان شهری به طبقه‌ی متوسط فراهم کرد. در این دوره با آزادی نسبی، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کلیمیان متحول شد. واژه‌های کلیدی: کلیمیان، جایگاه اجتماعی، وضعیت اقتصادی، وضعیت فرهنگی، رضاشاه

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء، (نویسنده‌ی مسئول)، (ze.Mohammadi@alzahra.ac.ir).

۲. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی‌ارشد دانشگاه تهران، (shahmoradi60@yahoo.com).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۹، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۴/۲۳.

مقدمه

کلیمیان بعد از ورود اسلام به ایران تا دوره‌ی مشروطه به‌عنوان اهل کتاب در بافت سنتی جامعه ایران، تقریباً وضعیت یکسانی داشتند. آنان از حداقل امتیاز شهروندی هم محروم بودند. پرداخت جزیه تا دوره‌ی پهلوی هم بار گرانی از لحاظ اقتصادی به آنان تحمیل می‌کرد. تأسیس مدارس آلیانس توسط کمیته‌ی مرکزی آلیانس فرانسه به وضعیت اجتماعی آنها تحرک بخشیده بود. این مدارس باعث تمایل به زندگی مدرن و تحول ساختار اجتماعی و فرهنگی کلیمیان شد. برقراری مشروطه و تصویب قانون برابری، آغازی برای تحول اقلیت‌ها به‌عنوان شهروند ایرانی بود. تنها در دوره‌ی رضاشاه تا قبل از گرایش او به آلمان، فرصتی برای آنان فراهم شد تا اوضاع خود را تغییر دهند. ضروری است که جایگاه کلیمیان و حق و حقوق شهروندی آنها در این دوران، با توجه به تحولات جدید به‌خصوص گفت‌وگو ملی‌گرایی و اینکه تعریف جدیدی از مفهوم ملت در ایران را شاهدیم، بررسی شود. بررسی وضعیت اقلیت‌ها در تاریخ ایران از ضروریات اجتناب‌ناپذیر برای شناخت میراث فرهنگی و اجتماعی ایران است.

پژوهش حاضر با روش اسنادی و کتابخانه‌ای و مبتنی بر تحقیقات تاریخی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی است.

پیشینه: تاکنون پژوهش مستقلی به بررسی تأثیرات اقدامات رضاشاه در وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کلیمیان پرداخته است؛ بنابراین پژوهش حاضر درصدد رفع این خلأ است.

یهودیان ایران

پیوند قوم یهود با اقوام ایرانی به دوره‌ی ماد بازمی‌گردد. در کتاب تورات از اسارت یهودیان به دست شلمانسر و سکونت آنان در شهرهای ماد صحبت شده است (تورات، کتاب دوم پادشاهان، باب ۱۷، آیه ۵). بعضی مورخان ورود قوم یهود به سرزمین ماد را در پایان قرن هشتم ق.م و در زمان جلوس سارگن دوم می‌دانند. سارگن دوم در سال ۷۲۲ ق.م عده‌ای از بنی‌اسرائیل را اسیر کرد و در شهرهای ماد سکونت داد (دیاکونوف،

۱۳۴۵، ۲۶۳؛ پیرنیا، ۱۳۸۸، ۱۵۳) و از آن زمان ارتباط این قوم با ایرانیان آغاز شد. در نتیجه‌ی سیاست مسالمت‌آمیز کورش ارتباطی نزدیک بین اقوام پارس و یهودیان به وجود آمد. سیاست رواداری اشکانیان آزادی نسبی یهودیان را در این دوره فراهم کرد (اومستد، ۱۳۸۳، ۷۸؛ گریشمن، ۱۳۷۲، ۳۲۳). بعد از آن، وضعیت یهودیان تابع شرایط سیاسی و اجتماعی ایران بود. در دوره‌ی قاجار حدود ۳۰ هزار یهودی در ایران زندگی می‌کردند. تا اواخر این دوره از جمعیت ۹ میلیون نفری ایران، ۵۰ هزار نفر یهودی بودند. آنها در شهرهای بزرگ مثل تهران، اصفهان، شیراز، همدان، کرمانشاه و شهرها و روستاهای کوچک‌تر مستقر بودند. بعضی به مناصب بانک‌داری، مالیات و خزانه‌داری دربار و دیگر مشاغل رسیدند. با این حال اکثر یهودیان شغل‌های ساده‌تر مثل فروشندگی، نساجی و غیره اختیار کردند (سرشار، ۱۳۸۴، ۱۳۷-۱۳۸).

۱. تأثیر اصلاحات رضاشاه در وضعیت اجتماعی کلیمیان

۱-۱. جابه‌جایی جمعیت کلیمیان

در دوره‌ی قاجار کلیمیان ایران در اوضاع نامطلوب اقتصادی و اجتماعی قرار داشتند. اقلیت‌ها و به‌خصوص کلیمیان به محله‌های مخصوص محدود شده بودند. آنان مجبور بودند سقف خانه‌ها را کوتاه بگیرند و حق سفیدکردن دیوارهایشان را نداشتند. تفاوت وضعیت آنها با دیگر طبقات جامعه آشکار بود و تحرک جمعیتی نداشتند. کلیمیان به‌عنوان فرودستان جامعه در همان محله‌ی محدود، آداب دینی مخصوص به خود را انجام می‌دادند. بخش‌های یهودی‌نشین ایران مانند سرچال در تهران، جویباره در اصفهان، یا زیر طاق در شیراز نام‌های به‌خصوصی داشتند، اما مسلمانان به این مناطق «محله‌های جهودی‌ها» می‌گفتند. یهودیان به آن فقط محله می‌گفتند. فقط یهودیان همدان، سنندج، کرمانشاه و رشت فاقد محله بودند و می‌توانستند در میان مسلمانان زندگی کنند. آنان به تدریج در شهرهایی مثل همدان و کرمانشاه برای امنیت خود ترجیح دادند در محلات مخصوص زندگی کنند (همان، ۱۰۵؛ شرفی صفا، ۱۳۹۶، ۷). با روی کار آمدن رضاشاه بعضی موانع جابه‌جایی جمعیت یهود از محله‌هایشان برطرف شد و با بهبود اوضاع اقتصادی آنها، این

جابه‌جایی جمعیت آسان‌تر صورت گرفت. رضاشاه در بخشی از سیاست خود مبنی بر کاستن قدرت سنتی طبقات زمین‌دار در سال ۱۳۰۶ش ابلاغ کرد که کلیمیان می‌توانند مالک زمین شوند و در خارج از محله‌های مخصوص خودشان زندگی کنند (شوکران، ۱۳۸۸، ۹۲). آنان با خرید زمین در دیگر محلات از انزوای اجتماعی خارج شدند و مشارکت فعالشان در عرصه‌های مختلف آغاز شد (اظهارات یک مهاجر یهودی به آژانس تلگرافی یهود، [بی‌تا]، شناسه‌ی ۲۹۳/۶۰۰۴). کلیمیان حق داشتند که شغل‌های دولتی و نیز مغازه داشته باشند؛ قبل از رضاشاه این حق از آنان سلب شده بود. آنها از فرصت به‌وجودآمده استفاده کردند و مغازه‌هایی در مناطق تجاری خارج از محله‌های کلیمیان باز کردند. این روند شتاب بیشتری به خود گرفت و به بهبود اوضاع کلیمیان منجر شد (Rahimiyan, 2012, pp.124-132). کلیمیان اصفهان نمونه‌ای از این گروه بودند؛ زیرا آنان با بهبود وضعیت اقتصادی، در این دوره از محله‌ی خود به چهارباغ عباسی نقل‌مکان کردند (شفقتی، ۱۳۸۱، ۳۹۵). بسیاری از حصارها و دروازه‌های محلات در دوره‌ی رضاشاه از میان برداشته شد و این خود عاملی مهم در جابه‌جایی جمعیت بود. برای نمونه تا سال ۱۳۰۰ش اغلب محلات اصفهان دارای مرز مشخص و بعضی از آنها دارای حصار و دروازه بود که گروهی از ساکنان محلات نیز در مواقع ناامنی مأمور دفاع از آنها بودند. این وضع تا حدودی استقلال اجتماعی هر محله را روشن می‌کرد (همان، ۳۹۱). ازبین‌رفتن ممنوعیت‌های که درباره‌ی لباس برای آنان وجود داشت و کاهش تبعیض‌هایی که در خصوص آنان به اجرا درمی‌آمد، به تسریع روند روبه‌رشد جابه‌جایی جمعیت از محله‌های کلیمیان به دیگر نقاط شهر کمک شایانی کرد. در تهران نیز با آزادی‌بخشی نسبی رضاشاه به کلیمیان، آنها کم‌کم از محله‌های خود خارج شدند و در نقاط مختلف تهران سکونت اختیار کردند و مؤسسات خود را در محلات جدید تأسیس کردند (سلطانی، ۱۳۸۴، ۲۵۷؛ Loeb, 2011, p6). بنایان می‌گویند: «یهودیان... با آزادی اهدایی نسبی رضاشاه، مثل فتری که تحت فشار باشند، از جا کنده شدند و در تمام زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیشاپیش همه‌ی اقشار مردم ایران شروع به فعالیت کردند و به موازات این فعالیت‌ها، خود را کم‌کم از محله‌ی معروف یهودی‌ها در ناحیه‌ی عودلاجان بیرون کشیدند و در نقاط

| تأثیر اقدامات رضاشاه در وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کلیمیان | ۱۰۷

مختلف تهران سکونت اختیار کردند. این یهودیان در به وجود آوردن محلات مختلف تهران عامل مؤثری بودند» (سرشار، ۱۹۹۶، ۲۲۹). در این دوران عده‌ی بسیاری از کلیمیان ثروتمند شدند و در خیابان‌های جدید تهران ساختمان برپا کردند و از طرف دیگر چون پایتخت رو به توسعه بود، مقررات بازرگانی، حضور تجار را در تهران اجباری کرد. جمعیت بسیاری از کلیمیان از شهرستان‌ها راهی تهران شدند (لوی، ۱۳۳۹، ۹۶۳-۹۶۴). اظهارات یک مهاجر کلیمی از اوضاع اجتماعی یهودیان ایران در دوره‌ی رضاخان، تعداد یهودیان ایران را در این دوره ۶۰ هزار نفر می‌داند (اظهارات یک مهاجر یهودی به آژانس تلگرافی یهود، [بی‌تا]، شناسه‌ی ۲۹۳/۶۰۰۴). زمانی که رضاشاه در سال ۱۳۰۶ ش/۱۹۲۶م دستور بازداشت و محاکمه‌ی ساموئل حییم، رئیس سازمان صهیونیست کلیمیان ایران، را به جرم شرکت در کودتا علیه خود داد، کلیمیان ایرانی انگیزه‌ی مهاجرت به فلسطین پیدا کردند. مهاجرت یهودیان به فلسطین و سیاست دولت ایران در قبال آن باعث حساسیت مذهبی، واکنش علما و مردم شد. دولت انگلیس نیز در سال ۱۳۱۲ش اجازه‌ی عبور کلیمیان از ایران به فلسطین را صادر کرد. این امر اعتراضات داخلی و خارجی در پی داشت. در این زمان، دولت مانع مهاجرت کلیمیان به فلسطین شد، اما با وجود این موانع، مهاجرت کلیمیان ایرانی هرگز متوقف نشد (Rahimiyan, 2012, pp.124-132؛ اعلان وزارت کشور در مورد منع مهاجرت کلیمیان بوشهر و بنادر خلیج فارس و دیگر شهرها به کشور فلسطین مگر برای زیارت و تجارت، ۱۳۰۱، شناسه‌ی ۲۹۳/۵۹۴۶؛ امینی، ۱۳۸۰، ۵۸-۵۷).

۱-۲. امنیت و آزادی اجتماعی کلیمیان

حوادثی که در دوره‌ی رضاشاه رخ داد، موجبات آزادی و امنیت نسبی کلیمیان را فراهم کرد. کلیمیان ایران سال‌های سلطنت رضاشاه را به مثابه دوره‌ی کوروش می‌دانند که خدمات بسیاری نسبت به آنها انجام داد و موجب تغییر اوضاع زندگی اجتماعی آنان شد. در این دوره وضعیت اقلیت‌های مذهبی به مراتب بهتر بود. آنان از این فرصت برای پیشرفت اجتماعی بهره بردند (بصیرت‌منش، ۱۳۷۵، ۷۳). شواهدی مبنی بر آزادی و امنیت کلیمیان

در این دوره وجود دارد؛ در اظهارات یک مهاجر کلیمی آمده است که: «یک نفر مسافر تازه از ایران مراجعت نموده به آژانس تلگرافی یهود اطلاع داده است که در زمان حکومت نسبتاً آزادی خواه رضاخان... در ایران آزادی مذهب برقرار است و هیجان بر علیه یهود و تنفر شدیدی که در چندین مورد بر علیه آنها تظاهراتی نموده بود، تقریباً از میان رفته است.» او اضافه کرده است کلیمیان قبل از رضاشاه چیزی را که می خواستند، نمی توانستند طلب کنند. روز بارانی حق نداشتند در کوچه ظاهر شوند و می بایست در خانه می ماندند. اما در زمان رضاشاه این محدودیت ها از بین رفت (اعلان وزارت کشور در مورد منع مهاجرت کلیمیان بوشهر و بنادر خلیج فارس و دیگر شهرها به کشور فلسطین مگر برای زیارت و تجارت، ۱۳۰۱، شناسه ی ۵۹۴۶/۲۹۳).

از نظر یهودیان حکومت رضاشاه انقلابی عظیم در بهبود وضع آزادی و آسایش آنان فراهم کرد؛ چنان که لوی، زمان رضاشاه را برای کلیمیان ایران نظیر زمان کورش کبیر و عصر محمدرضاشاه را نظیر عصر داریوش کبیر می داند. او معتقد است که یهودیان ایران دینی بزرگ نسبت به رضاشاه دارند؛ زیرا سعادت و آزادی یهودیان در سایه ی عدالت او میسر شد. لوی این بهبود را به دلیل تأمین امنیت و آسایش، توجه شاه به بالابردن سطح دانش و فرهنگ، اصلاح امور ادارات دولت، بهداشت، شغل و توجه خاص وی به یهودیان می داند (لوی، ۱۳۳۹، ۹۶۱-۹۶۲). کاهش قدرت روحانیان در این دوره موجب آزادی بیشتر غیرمسلمانان و از جمله یهودیان شد. این مسئله در کنار قانون برابری که در قانون اساسی گنجانده شده بود، برای یهودیان اهمیت بسیاری داشت. برای نمونه زمانی که زنی یهودی در سال ۱۳۰۹ ش در مازندران بدون حجاب در خیابان تردد می کرد، عده ای از روحانیان شهر به اداره ی نظمیه شکایت نامه ای نوشته بودند و از این اقدام درخواست جلوگیری کردند. حکومت مازندران طبق قانون بانوان کلیمی را در حجاب و رفت و آمد، آزاد می دانست (سازمان اسناد و مدارک ملی، ۱۳۷۱، ۲۸۷). این گونه موارد روند اجرای قانون در جامعه را برای اقلیت های آن دوره بازگو می کند.

۱-۳. لباس متحدالشکل و کشف حجاب

با سیاست تجدد در زمینه‌ی لباس و حجاب، تمام محدودیت‌هایی که برای کلیمی‌ها وجود داشت، برداشته شد. قبل از دوره‌ی پهلوی، کلیمیان و دیگر اقلیت‌ها ناچار بودند لباس‌هایی با رنگ مخصوص بپوشند یا علامتی بر لباس خود (وصله‌ی جهودی) بگذارند تا از مسلمانان متمایز باشند. ماده‌ی اول قانون لباس متحدالشکل که در سال ۱۳۰۷ ش به اجرا گذاشته شد، تصریح می‌کرد که همه‌ی اتباع ایران، که بر حسب مشاغل دولتی که دارای لباس مخصوص نیستند، در داخل مملکت مکلف‌اند که ملبس به لباس متحدالشکل شوند و همه‌ی مستخدمان دولت اعم از قضایی و اداری در موقع اشتغال به کار دولتی، باید لباس مخصوص قضایی یا اداری بپوشند. این قانون دیگر فرصتی برای تمایزات مربوط به اقلیت‌ها باقی نگذاشت (جعفری، ۱۳۷۱، سند شماره‌ی ۷).

فرمان کشف حجاب زنان در سال ۱۳۱۴ ش/۱۹۳۶ م مورد مخالفت زنان و حتی بعضی زنان یهودی قرار گرفت. با این حال کشف حجاب صورت گرفت و تبعیض لباس به‌طور کلی از بین رفت (سرشار، ۱۳۸۴، ۱۸۶).

۱-۴. تأثیر اصلاحات در وضعیت خانواده و زنان

بخشی از برنامه‌های تجدد آمرانه‌ی رضاشاه به قشر زنان تعلق داشت که باعث تغییر نسبی موقعیت زنان شد. زنان یهودی قبل از تأسیس مدارس آلیانس از نظر اجتماعی و خانوادگی وضعیت مطلوبی نداشتند. در دوره‌ی گذر از سنت به مدرنیته، تأسیس مدارس دخترانه‌ی آلیانس گامی مهم در جهت ترقی زنان کلیمی و مشارکت‌های اجتماعی آنان بود. در نظام اداری دوره‌ی رضاشاه زنان کلیمی تحصیل کرده به‌عنوان مدیر و معلم نقش ایفا کردند و پس از دستور کشف حجاب، احتمال داده می‌شد حضور بیشتری در جامعه داشته باشند. اما از کار زنان در بیرون از خانه حمایتی صورت نگرفت. پایه‌های خانوادگی یهودیان ضعیف بود و ازدواج‌های زودهنگام خانواده‌ها را متزلزل کرده بود. کلود انه می‌گوید: «دختر بچه‌ها بین هشت تا ده سالگی شوهر می‌کنند و در یازده و دوازده سالگی پڑمرده می‌شوند». او دخترهای کم‌سن و سال یهودی را در محله‌ی یهودی‌نشین اصفهان می‌بیند که نوزادی در بغل

دارند و از داستان خاخام ۶۵ ساله‌ای یاد می‌کند که با دختر هشت‌ساله ازدواج کرده بود (۱۳۶۸، ۲۶۹). اصلاحات رضاشاه در زمینه‌ی طلاق و افزایش سن ازدواج به نفع دختران یهودی تمام شد که در سن کم ازدواج می‌کردند. پیشرفت حاصل از اصلاحات رضاشاه برای بانوان کلیمی نسبی بود. تغییرات خانوادگی مسئله‌ی نابرابری زنان و مردان را حل نکرد. قانون حمایت از خانواده همچنان به نفع مردسالاری بود. امور حضانت مسئله‌ای مهم نبود؛ زیرا تعداد اندکی از زنان یهودی ایرانی درخواست طلاق کردند. اصلاحات تعدد زوجات نیز در آنان تأثیر نگذاشت؛ زیرا تعدد زوجات در بین کلیمیان رایج نبود (Soomekh, 2012, p.53).

۲. تأثیر اصلاحات رضاشاه در وضعیت اقتصادی

فعالیت‌های اقتصادی کلیمیان ایران تابع شرایط زمان و امکانات موجود و سیاست دولت‌ها بوده است. با روی کار آمدن رضاشاه، به اصل برابری در قانون اساسی بیشتر توجه شد. این امر تأثیری آشکار در وضعیت شغلی یهودیان گذاشت. با اینکه قانون جزیه برای دیگر اقلیت‌ها لغو شده بود، اما کلیمیان تا زمان رضاشاه موظف به پرداخت جزیه بودند؛ تا اینکه این قانون در زمان وزارت علی‌اکبر داور با کوشش لقمان نه‌ورای در مجلس ملغی شد. از دیگر قوانین این بود که آنان می‌توانستند از مسلمانان خرید کنند، ولی مسلمانان حق خرید از آنها نداشتند و فقط در مشاغل مُعین حق کسب معاش داشتند (ولیس، ۱۳۶۳، ۳۱۶؛ سرشار، ۱۳۸۴، ۱۴۴). در دوره‌ی رضاشاه یهودیان توانستند با آزادی بیشتری به فعالیت تجاری بپردازند و از لحاظ اقتصادی پیشرفت کنند. در اینجا به بعضی از تحولات مشاغل یهودیان می‌پردازیم.

۱-۲. اصلاحات اداری و مشاغل کلیمیان

۲-۲. مشاغل دولتی

نظام اداری دوره‌ی رضاشاه متأثر از برنامه‌ی تجدد و تمرکز بود. او نیروی مورد نیاز خود را از فارغ‌التحصیلان مدارس فراهم کرد. فارغ‌التحصیلان کلیمی مدارس آلیانس و

دانشگاه‌های اروپایی در ایران فراوان بودند. تغییر برنامه‌ها و قوانین استخدامی راه را برای ورود کلیمیان به نظام اداری و ارتقای آنان به طبقه‌ی متوسط فراهم کرد. این امر تا حدودی ناشکیبایی مذهبی در جامعه را کاهش داد و اقلیت‌ها توانستند به تدریج به مقامات اقتصادی، فرهنگی و اداری دست یابند (سهیم، ۱۳۷۵، ۶۴). اولین تحولی که در زمینه‌ی مشاغل صورت گرفت، پذیرفتن غیرمسلمانان در مشاغل دولتی و استخدام آنان در مدارس و ادارات دولتی بود. عده‌ای از آنها که تحصیل کرده بودند به استخدام ادارات مختلف از جمله بهداری، بازرگانی، پست، تلگراف، دادگستری و گمرک درآمدند (تاج‌پور، ۱۳۳۴، ۱۰۰). پس از تأسیس بانک ملی ایران عده‌ای از یهودیان ایرانی در این بانک استخدام شدند (سرشار، ۱۹۹۶، ۲۰۲). یهودیان و دیگر اقلیت‌ها توانستند در ادارات و وزارتخانه‌ها مشغول به کار شوند، اما باز همچنان محدودیت‌هایی در ارتقای آنان به مقامات بالا وجود داشت. آنها در صورت استخدام در مشاغل دولتی فقط در حد کارمند باقی می‌ماندند و حتی با سوابق بسیار خدمات هم فقط تا حد ریاست دوایر می‌توانستند ارتقا یابند. یهودیان به مقام مدیرکلی، ریاست شهربانی، ژاندارمری و دیگر مقامات کشور نائل نمی‌شدند. در ارتش چند نفر از یهودیان تا درجه سرهنگ تمام، نائل و بازنشسته شدند. کلیمیان در ارتش هم به دلیل آزادی نسبی‌ای که به آنها داده می‌شد، توانستند در زمینه‌های تخصصی خود از قبیل پزشکی و تدارکات، به کار پردازند و ترفیع رتبه‌ی آنها در عملیات نظامی ممنوع بود (همان، ۱۰۰). حبیب لوی که دندان‌پزشک بود، مورد توجه رضاشاه واقع شد. او اولین یهودی‌ای بود که به ارتش وارد شد و تنها دندان‌پزشک ارتش بود که ریاست بخش دندان‌پزشکی نظامی را بر عهده داشت. دکتر مسنن (دندان‌پزشک)، امینی (پزشک یهودی همدانی) و دکتر کورت اریش نومان (یهودی آلمانی) مورد توجه رضاشاه بودند. مشفق همدانی، از جمله‌ی روزنامه‌نگاران برجسته، به مدت هفت سال ریاست یکی از ادارات وزارت امور خارجه را بر عهده داشت (همدانی، ۱۳۷۰، ۲۶).

۲-۳. مشاغل آزاد

یهودیان ایران در دوره‌ی قاجار به تجارت، جواهرفروشی، تولید مشروبات، تریاک و...

مشغول بودند و نقشی مهم در تجارت خلیج فارس داشتند. آنان در صدور منسوجات پنبه‌ای منچستر از طریق بغداد نقش داشتند (عیسوی، ۱۳۶۲، ۹۴). با این حال بیشتر جمعیت یهودی ایران از لحاظ اقتصادی وضع مناسبی نداشتند. محدودیت‌های اجتماعی سبب محدودیت‌های اقتصادی یهودیان شد. یهودیان ایران در مراکز اصلی بازرگانی ساکن بودند و این امر می‌توانست یکی از عوامل رشد و کسب امتیازات اقتصادی را برای آنان رقم بزند، ولی فقط در زمان رضاشاه وضعیت آنها بهبود نسبی پیدا کرد. رضاشاه در دوره‌ی وزارت جنگ و نخست‌وزیری، نشانه‌هایی از امکان تحقق خواسته‌های تجار را فراهم کرد. او در اوایل سلطنت خود در مسیر مورد نظر تجار حرکت کرد و آنان را به ادامه‌ی این حمایت ترغیب کرد تا تجار در سایه‌ی حمایت او به‌آسودگی به تجارت پردازند (توکلی، ۱۳۸۸، ۴۴). در این زمان عده‌ای از کلیمی‌ها که توانایی مالی بیشتری داشتند، برای ایجاد روابط بازرگانی به اروپا رفتند. آنان با خرید املاک و با وثیقه‌گذاشتن آن برای گرفتن وام، به‌راحتی به کار تجارت مشغول شدند و مالک زمین و مستغلات شدند (Bonine & Keddie, 1981, p.308; لوی، ۱۳۸۶، ۴۵۷). تجار یهودی بعضی آثار نقاشان ایرانی و نقاشی‌های معرق‌شده را می‌خریدند و به خارج حمل می‌کردند و در آنجا می‌فروختند (مختاری‌اصفهانی، ۱۳۸۳، ۲۷۵).

یکی از مشاغلی که یهودیان در آن فعال بودند، استخراج و فروش عتیقه بود. عده‌ای از آنها ثروت بسیاری از این طریق به دست آوردند و بسیاری از اشیای عتیقه از طریق آنان و گاه با دخالت انگلیس به خارج از کشور فرستاده شد (یزدانی، ۱۳۸۰، ۴۷). شواهد بسیاری در این زمینه در اسناد موجود است. بسیاری از احجار منقوش در تخت‌جمشید و آثار مختلف باستانی ایران را چه به‌صورت قانونی و چه غیرقانونی، این افراد به انگلستان فرانسه منتقل کردند (گزارشی راجع به اظهارات یک نفر تاجر عتیقه‌فروش کلیمی ایرانی مبنی بر فروش احجار منقوش تخت جمشید، ۱۳۱۲، شناسه‌ی ۲۹۷/۳۱۶۸۱). در سال ۱۳۰۹ش قانون حفظ اشیای عتیقه به تصویب مجلس شورای ملی رسید (بی‌نام، ۱۳۵۵، ۹۷). این مسئله تأثیر بسزایی در وضعیت یهودیان ایران که به فروش عتیقه و حفاری مشغول بودند، گذاشت. پیش از تصویب قانون عتیقه‌جات در سال ۱۳۰۶ش نیز مصوبه‌ای

مبنی بر دادن مقداری پول به کلیمی‌ها در ازای تحویل دادن عتیقه‌هایی که استخراج کردند، تصویب شده بود (کشف اشیای زیرخاکی توسط چند کلیمی، ۱۳۰۶، شناسه‌ی ۲۹۷/۴۰۶۵). اما قانون حفظ اشیای عتیقه که در سال ۱۳۰۹ ش تصویب شد، جدی‌تر بود و جرایم و مجازات‌هایی را برای متخلفان در نظر گرفته بود. بر اساس این قانون کسانی که قصد داشتند به کار عتیقه بپردازند باید از دولت اجازه می‌گرفتند و بی‌اجازه‌ی دولت، حق خارج کردن عتیقه از کشور نداشتند. با این حال شواهدی از قاچاق عتیقه توسط کلیمی‌ها وجود دارد (حمل قاچاق مسکوکات طلا و نقره به‌وسیله‌ی یهودیان و عشایر مرزی و نظام‌نامه‌ای در خصوص قاچاق، ۱۳۱۱-۱۳۱۲، شناسه‌ی ۲۴۰/۴۵۵۲).

علاوه بر قاچاق عتیقه، اسنادی هم از قاچاق مواد مخدر، ارز، طلا، نقره و غیره توسط یهودیان وجود دارد. در دوران رضاشاه با افزایش قدرت حکومت مرکزی برای کنترل مرزها، مبارزه با قاچاق به‌طور جدی مورد توجه واقع شد. قانون منع خروج طلا و نقره در سال ۱۳۰۲ ش در مجلس تصویب شده بود (همان). کلیمیان در سال ۱۳۰۹ ش به‌طور گسترده اقدام به خرید زیورآلات طلا با قیمت بالا کردند. این امر باعث افزایش قیمت طلا شد؛ به همین دلیل تیمورتاش دستور داد از این امر جلوگیری شود (دستور به مأمورین قم درخصوص جلوگیری از خرید زیورآلات طلا توسط یهودیان، ۱۳۰۹، شناسه‌ی ۲۹۳/۶۴۸۸). وزارت دارایی نامه‌های بسیاری مبنی بر جلوگیری از قاچاق مسکوکات طلا و نقره توسط تعدادی از یهودیان با همکاری عشایر به اداره‌ی پست و تلگراف تهران ارسال کرد. یکی از این نامه‌ها شکایت از خروج شمش طلا توسط شخصی کلیمی به نام حبیب لاهیجانی است که با عبور از گمرک آنها را به پاریس می‌فرستاد (حمل قاچاق مسکوکات طلا و نقره به‌وسیله‌ی یهودیان و عشایر مرزی و نظام‌نامه‌ای در خصوص قاچاق، ۱۳۱۱-۱۳۱۲، شناسه‌ی ۲۴۰/۴۵۵۲). بر اساس راپرتی به اداره‌ی گمرک در سال ۱۳۱۰ ش، بعضی از تجار کلیمی همراه با قوطی‌های کاکائو اغلب کوکائین نیز وارد می‌کردند. به این صورت که سطح قوطی را می‌پوشاندند و در زیر آن کوکائین قرار می‌دادند و به این طریق آن را از گمرک عبور می‌دادند. همچنین از ورود مواد مخدر به‌طور قاچاق از سرحدات ارس توسط آنان، گزارش داده شده است (یزدانی، ۱۳۷۴، ۲۸). دولت برای

جلوگیری از قاچاق، مجازات‌هایی وضع کرد. یکی از مجازات‌های قاچاق در دوره‌ی رضاشاه تبعید بود. تعدادی از کلیمیان به اتهام حمل قاچاق نقره به خارج از کشور، به کرمان و دیگر نواحی تبعید شدند (تبعید دو تن از کلیمیان به کرمان به اتهام قاچاق، ۱۳۱۴، شناسه‌ی ۲۴۰/۴۴۵۲۴).

یکی از دیگر مشاغلی که یهودیان به آن اشتغال داشتند، دوره‌گردی بود. یهودیان دوره‌گرد بیشتر در اصفهان و روستاهای اطراف آن بودند. قوانین متعددی از لحاظ ناپاکی و نجاست یهودی‌ها و رفت‌وآمد و خوراک آنان وضع شده بود که در دوره‌ی رضاشاه، از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۰ش، لغو شد. یهودیان اصفهان به دنبال ملغی‌شدن این قوانین در سطحی گسترده به دوره‌گردی پرداختند. کشف حجاب در دوره‌ی رضاشاه موجب شد تا یهودی‌های دوره‌گرد بیش‌ازپیش به فعالیت بپردازند. واکنش عمومی در برابر کشف حجاب، بر حسب هر منطقه متفاوت بود. عده‌ای از مردم از این برنامه استقبال کردند و شماری از زنان، خانه‌نشینی را به بی‌حجابی ترجیح دادند. در این زمان دوره‌گردان و دست‌فروشان کلیمی موقعیت را مناسب دیدند و از فرصت استفاده کردند و کالاهای خود را به در منازل این زنان می‌بردند و اجناس خود را به قیمت بیشتری به آنها می‌فروختند. مشتریان این دوره‌گردان از طبقات بالا و پایین جامعه بودند؛ زیرا کشف حجاب رضاشاه به‌طور عموم محدودیت ایجاد کرده بود. کلیمی‌ها نیز در ازای کسب‌وکار خود مالیاتی به دولت نمی‌پرداختند. در این معاملات سود فراوانی نصیب آنان می‌شد. این امر در بازار اصفهان تأثیر گذاشت (توکلی، ۱۳۸۸، ۸). اسناد مختلفی از صنف بزازان بعضی از شهرهای مختلف اصفهان از جمله شهرضا و نجف‌آباد در دست است که از فعالیت کلیمیان دوره‌گرد ناراضی بودند. صنف بزاز از این موضوع شکایت داشت که بزازان باید مالیاتی که به عایدات آنها تعلق می‌گرفت، بپردازند. در صورتی که دوره‌گردان کلیمی بدون پرداخت مالیات اجناس خود را به‌راحتی به مردم می‌فروختند و مانع کسب‌وکار صنف آنان می‌شدند (مختاری‌اصفهانی، ۱۳۸۰، ۷۴۰). این افراد دوره‌گرد اجناس را به‌صورت نسبه از تجار و بنکداران می‌گرفتند و پس از فروش اجناسشان بدهی‌های خود را می‌پرداختند و از مردم اجناس مختلف از جمله عتیقه‌جات، طلا و نقره به قیمت نازل می‌خریدند و آن را به قیمت

گزار می‌فروختند. بعضی از کالاهای عتیقه‌ی کشور از این طریق به خارج از کشور منتقل شد (توکلی، ۱۳۸۸، ۱۲). در نتیجه‌ی این فعالیت و همچنین این مسئله که آنان ناچار به پرداختن مالیات نبودند، عده‌ای از یهودی‌ها ثروت بیشتری نسبت به گذشته به دست آوردند و به این طریق بهبودی در وضعیت معیشت آنان به وجود آمد. البته با ممانعت‌هایی که پس از اعتراض بازاریان و اصناف از فعالیت آنها صورت گرفت، شهربانی بر آنها فشارهایی آورد (مختاری‌اصفهانی، ۱۳۸۰، ۷۲۳). فقط دو ماه پس از کشف حجاب، عده‌ای از کسبه و بازاریان شهرضا طی نامه‌ای به نایب‌الحکومه‌ی شهرضا از دوره‌گردی بانوان یهودی که باعث کساد کار کسبه‌ی شهرضا شده بودند، شکایت کردند. آنان این امر را تهدیدی برای حفظ حجاب دانستند (شکایت کسبه‌ی اصفهان از کلیمیان دوره‌گرد، ۱۳۱۵، شناسه‌ی ۲۵۸۱/۲۹۱). این جریان جدی‌تر و گسترده‌تر شد؛ زیرا جمعی از کسبه‌ی اصفهان در سال ۱۳۱۵ش در این زمینه شکایتی تنظیم و پس از امضا تقدیم شهربانی اصفهان کردند. در این نامه آمده است که اجناس کسبه‌ی اصفهان فروش نمی‌رود؛ به این دلیل که بانوان از منزل خارج نشده و از کلیمی‌ها خرید کرده‌اند، و کسبه‌ی اصفهان قادر به پرداخت مالیات نخواهند بود. حکومت اصفهان به شهربانی جلوگیری از منع فروشندگی دوره‌گردی را دستور می‌دهد. پس از دستور فوق، عده‌ای از کلیمی‌های دوره‌گرد را مأموران مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند، که رئیس دبیرستان اتحاد اصفهان طی نامه‌ای نسبت به این عمل شکایت می‌کند. ولی کلیمی‌ها به علت درآمد فراوان دوره‌گردی با وجود محدودیت‌ها حاضر به ترک آن نبودند؛ حتی به آنها اجازه‌ی احداث کارخانه‌ی نخ‌تاب داده شد ولی کلیمیان از آن استقبال نکردند و همچنان به دوره‌گردی می‌پرداختند. صنف بزاز نجف‌آباد از حکومت وقت اصفهان خواست که کلیمی‌های دوره‌گرد را وادار به کرایه‌ی مغازه کند. حکومت وقت اصفهان در نامه‌ای مورخ ۱۳۱۵/۰۴/۳۱ جواب می‌دهد که کسب آزاد است و نمی‌توان با دوره‌گردی کلیمیان مخالفت کرد (همان). دایرکردن مغازه برای آنها مالیات در پی داشت. از سوی دیگر سود سرشار این شغل و به‌دست آوردن عتیقه آنها را به این کار تشویق کرد. بدین ترتیب کشف حجاب باعث شد که آنها به قوانین صنفی بها ندهند.

یکی از شغل‌های مهم یهودی‌ها پبله‌وری بود که اغلب در شهرهایی چون اصفهان و یزد

صورت می‌گرفت. به گفته‌ی لوی، شغل بیشتر یهودیان در سال ۱۹۰۷م پبله‌وری بود. زنان یهودی با ابریشم‌بافی و قالی‌بافی روزگار را می‌گذراندند (لوی، ۱۳۳۹، ۸۳۳). مریت هاکس که در سال ۱۹۳۳م به ایران مسافرت کرد، از کارخانه‌های کوچک نخ‌ریسی و پارچه‌بافی بی‌شمار در یزد یاد می‌کند. اما بافت ابریشم فقط در خانه‌ی شخصی یهودیان رواج داشت. با وضع قوانین جدید و ورود ابریشم مصنوعی، کمتر کسی پارچه‌ی ابریشمی درجه‌ی یک را می‌شناخت و این اقدام کار یهودی‌ها را از رونق انداخته بود (هاکس، ۱۳۸۶، ۶۴). زمانی که به دلیل انحصار تجارت، قوانین محدودیت شدید واردات منسوجات در ارتباط با ابریشم تصویب شد، ممنوعیت کامل آن باعث رونق ابریشم‌بافی در انحصار دولت شد و ابریشم یزد به سبب مهاجرت اجباری کارگران کارخانه‌ی ابریشم‌بافی یزد به مازندران، از رونق افتاد و به اقتصاد کلیمیان فعال در این حوزه لطمه وارد شد (مجد، ۱۳۸۹، ۹۳).

یکی از حرفه‌هایی که یهودیان تقریباً از گذشته به آن مشغول بودند، صرافی بود. این شغل بعد از مشروطه حالتی تکامل‌یافته‌تر پیدا کرد. در دوره‌ی پهلوی با توجه به اوضاع اقتصادی، مشکلات ارزی و سخت‌گیری یا آزادگذاشتن این گونه فعالیت‌ها، صرافی گاهی توسعه یافت و گاهی به شدت محدود می‌شد. اما در مجموع صرافی در این دوره توسعه یافت. آنها نقشی مؤثر در این زمینه داشتند. صرافان یهودی هم خود را با شرایط وفق می‌دادند (سرشار، ۱۹۹۶، ۱۹۵).

۳. تأثیر اقدامات رضاشاه در وضعیت فرهنگی کلیمیان

۳-۱. تأثیر اصلاحات آموزشی در وضعیت مدارس کلیمیان

تا زمان مظفرالدین‌شاه کودکان یهودی در مکتب‌خانه درس می‌خواندند. مؤسسه‌ی آلیانس یهود که مرکز آن در فرانسه بود، در شهرهای محل سکونت یهودیان در ایران مدارس تحت عنوان آلیانس تأسیس کرد. این حرکت آلیانس، جنبشی ترقی‌خواهانه برای یهودیان ایران بود. تا پایان دوره‌ی قاجار مدارس آلیانس به‌طور مستقل عمل می‌کردند. زبان آموزشی این مدارس عبری و فرانسه بود (رینگر، ۱۳۸۱، ۱۴۸).

با روی کار آمدن رضاشاه تغییرات بسیاری در نظام آموزشی آلیانس به وجود آمد. رویکرد ملی‌گرایی و تمرکزگرایی رضاشاه در تدریس زبان فارسی، تاریخ، جغرافیا، تغییر نام مدارس و تعطیلات مدارس آلیانس تأثیر گذاشت. عیسی صدیق، از شخصیت‌های تأثیرگذار در سیاست‌های فرهنگی، معتقد بود که هیچ عاملی مانند وحدت زبان نمی‌تواند نژادهای مختلف را با هم متحد کند و وحدت زبان را موجب وحدت فکر می‌دانست (۱۳۵۲، ۱۵۰). ملی‌گرایان بر زبان فارسی خیلی تأکید داشتند. دولت در سال ۱۳۰۶ ش بر مدرسی که زبان غیرفارسی در آنها تدریس می‌شد، فشار آورد تا زبان اصلی خود را به زبان فارسی تغییر دهند و مدرسی که این مقررات را رعایت نمی‌کردند، تعطیل می‌شدند (کرونین، ۱۳۸۳، ۲۰۳). مدارس در ابتدا مقاومت کردند. آنها تأکید می‌کردند که مواد درسی شش سال ابتدایی به زبان فرانسه باشد (شکایت وزارت معارف از مدرسه‌ی آلیانس مبنی بر رعایت پروگرام، ۱۳۳۶ق، کارتن ۲۸، پوشه‌ی ۱۷؛ راپورت اداره‌ی معارف کرمانشاهان درباره‌ی پروگرام مدرسه‌ی آلیانس، ۱۳۳۴ق، کارتن ۲۹، پوشه‌ی ۱۷). وزارت معارف در خرداد سال ۱۳۰۶ ش طی بخشنامه‌ای از مدیران مدارس ملل تابعه‌ی ایران خواست طی شش ماه برنامه‌های وزارت را اجرا کنند. در صورت تخلف برای بار اول اخطار و برای بار دوم مدرسه تعطیل می‌شد. از جمله‌ی این برنامه‌ها تدریس زبان فارسی و تدریس تاریخ و جغرافیا به زبان فارسی بود (متحدالمال وزارت معارف برای تدریس زبان طایفگی ملل غیرمُسلم، ۱۳۰۶ ش، کارتن ۲، پوشه‌های ۱۰۶ و ۱۰۷). به همه‌ی مدیران مدارس برای زبان مادری اجازه‌ی تأسیس کلاس داده شد و اینکه در چهار سال اول مدارس ابتدایی، هفته‌ای هشت ساعت زبان اقلیت‌ها را در مدارس تعلیم دهند (وزارت معارف، ۱۳۰۷-۱۳۰۸، ۱۴۰). نمایندگان آلیانس در ایران هر چه در توان داشتند به کاربردند تا ماهیت فرانسوی این مدارس را حفظ کنند. ولی رفته‌رفته توان آنها کم شد. در سال تحصیلی ۱۳۱۱-۱۳۱۲ ش تمام مدارس آلیانس زبان فرانسه را به‌عنوان زبان اصلی کنار گذاشتند و زبان فارسی، زبان اصلی مدارس شد. زبان فرانسه از آن پس فقط به‌عنوان زبان خارجی تدریس می‌شد (نتصر، ۱۹۹۶، ۱۲۵). البته یکی از سرزنش‌های کمیته‌ی مرکزی آلیانس به یهودیان ایران این بود که چرا زبان فارسی را آن‌چنان باید و شاید یاد نگرفته‌اند؛ زیرا این

کمبود در امر دادوستد و مبادلات بازرگانی، پیامدهای ناگواری دارد و به زیان یهودیان ایران بود (ناطق، ۱۳۸۰، ۱۶۱-۱۶۲). هایدیه سهیم معتقد است که یکنواخت کردن نظام آموزشی باعث شد اقلیت‌های قومی و مذهبی بتوانند به طور مساوی در کنار یکدیگر و با دیگر ایرانیان تحصیل کنند. نتیجه‌ی سیاست‌های رضاشاه تا حدی ناشکیبایی مذهبی در جامعه را کاهش داد و اقلیت‌ها توانستند به مقامات بالای فرهنگی، اداری و اقتصادی دست یابند (۱۳۷۵، ۶۴).

یکی از مشخصه‌های بحث‌انگیز ملی‌گرایی، اصلاح زبان بود. شاخص اصلی آن تلاش برای پاک‌سازی از واژه‌های بیگانه بود (اتابکی، ۱۳۸۵، ۲۲۳). به همین منظور تغییر نام مدارس از عربی و خارجی به فارسی در دستورکار قرار گرفت. مدارس آلیانس بر اساس این سیاست مجبور شدند اسم فارسی مناسب برای مؤسسات آموزشی خود انتخاب کنند. این اسم‌ها شامل اسم شعرا یا بزرگان تاریخی، کلمات ادبی مثل ادیب، دانش، و نظایر آن بود. این تغییر نام از سال ۱۳۱۳ش عمومی شد. همه‌ی مدارس آلیانس بعد از تصویب تغییر نام مدارس، نام خود را به «اتحاد» و یا «وحدت ملی» تغییر دادند (بی‌نام، ۱۳۱۳، ۲؛ بودجه‌ی سال ۱۳۱۳ و هزینه‌های ضروری معارف، ۱۳۱۳، شناسه‌ی ۲۹۷/۳۳۹۷۶). مدارس آلیانس باید جمعه و اعیاد ملی را تعطیل می‌کردند، (مکاتبه در مورد وضعیت تحصیلی چند تن از دانش‌آموزان دبیرستان اتحاد آلیانس و لزوم تعطیل نمودن مدرسه در ایام اعیاد مذهبی، ۱۳۱۶، شناسه‌ی ۲۹۷/۲۶۵۹۳؛ گزارش بازرسی دبیرستان اتحاد و آلیانس در خصوص تعداد محصلین، عملکرد معلمان، برنامه‌ی امتحانات سالیانه و تقاضای پرداخت اعانه به مدرسه‌ی مذکور، ۱۳۱۳، شناسه‌ی ۲۹۷/۱۷۳۱۶). شواهد حاکی از آن است که ادارات بعضی از شهرها یهودیان را به کار در روز شنبه مجبور کرده بودند. گاهی هم آنان را ملزم به تعطیلی در روز جمعه می‌کردند (بخشنامه‌ی وزارت معارف و اوقاف در خصوص لزوم تعطیلی مدارس کلیمیان در روز جمعه، ۱۳۱۴، شناسه‌ی ۲۹۷/۸۳۵۳؛ راپورت اداره‌ی معارف همدان در تعطیل نمودن ایام جمعه‌ی مدرسه‌ی کلیمیان، ۱۳۳۶ق، کارتن ۲۷، پوشه‌ی ۱۷).

۴. دیگر اقدامات رضاشاه

۴-۱. ارتش منظم و تأثیر آن در زندگی یهودیان

یکی از اصلاحات اساسی رضاشاه ایجاد ارتش نوین و منظم بود که دیگر برنامه‌های نوسازی بر آن متکی بود (کرونین، ۱۳۸۳، ۶۴). از اقدامات بسیار مهم اصلاحی رضاشاه در ارتش، ایجاد نظام سرباز گیری بود. خدمت سربازی کشور نه فقط به خاطر ایجاد ارتش نیرومند، بلکه برای ایجاد جامعه‌ای منسجم و مدرن، امری حیاتی به شمار رفت. در مجلس پنجم، لایحه‌ی خدمت اجباری نظام وظیفه به تصویب مجلس رسید (همان، ۷۳). پس از تصویب قانون نظام وظیفه‌ی عمومی، مرخصی کلیمیان هم، ایام تعطیلی رسمی مملکتی بود و به آنان در ایام مذهبی‌شان مرخصی نمی‌دادند؛ اما با اقدامات لقمان نه‌ورای، نماینده‌ی آنان در مجلس، از جمله مکاتبات او با وزارت جنگ و سپس مذاکره‌ی حضوری با رضاشاه، مرخصی کلیمیان در تعطیلات رسمی ملغی شد و روزهای مذهبی‌شان به‌عنوان زمان مرخصی آنان اعلام شد و احکام آنان از طرف رضاشاه صادر شد (لوی، ۱۳۳۹، ۸۵۶). طبق ماده‌ی ششم قانون معافیت خدمت نظامی، علمای درجه‌ی اول مذهب کلیمی از خدمت نظامی معاف بودند (بی‌نام، بی‌تا، ۴۰). چنان‌که قبلاً اشاره شد علاوه بر نظام اجباری به یهودیانی که دارای تخصص بودند حق استخدام در ارتش داده شد.

۴-۲. اصلاحات قضایی و تأثیر آن در زندگی یهودیان

با روی کار آمدن رضاشاه اصلاح نظام قضایی کشور، مورد توجه جدی قرار گرفت. علی‌اکبر داور، مشاور اصلاحات قضایی بود. در زمان وزارت او سه مجموعه قوانین جداگانه به مجلس پیشنهاد شد؛ در سال ۱۳۰۴ش قانون تجارت، در سال ۱۳۰۵ش قانون جزا، در سال ۱۳۰۷ش قانون مدنی به تصویب مجلس رسید. قانون مدنی به تدریج و با طی مراحل مختلف به اجرا درآمد. شکل نهایی این قانون در اردیبهشت سال ۱۳۰۷ش به تصویب مجلس رسید (ثاقب‌فر، ۱۳۸۸، ۱۳۵-۱۳۶). در سال ۱۳۱۵ش قانونی به تصویب مجلس رسید که علما از اشتغال به مقام قضاوت به کلی منع شدند (همان، ۳۱). این مسئله در زندگی یهودیان بی‌تأثیر نبود. به علت کاهش قدرت روحانیان، آزادی و امنیت اجتماعی

یهودیان افزایش یافت. بر اساس احکام دینی تا آن زمان ورود غیرمسلمانان به اماکن مذهبی مسلمانان ممنوع بود. در زمان سلطنت رضاشاه در مساجد تاریخی اصفهان به روی مردم باز شد و غیرمسلمانان، از جمله یهودیان، ارمنیان و...، همچون مسلمانان توانستند از مساجد بازدید کنند (الول ساتن، بی تا، ۴۳۳).

در این دوره نمایندگان اقلیت‌های دینی در مجلس، از جمله لقمان نهورای، ارباب کیخسرو (نماینده‌ی زرتشتیان) و عده‌ای از وکلای دموکرات مجلس با مساعدت دولت وقت و همراهی داور (وزیر دادگستری)، قانونی از مجلس گذراندند که بر اساس آن هر شخص فقط می‌توانست از هم‌کیش خود ارث ببرد (لوی، ۱۳۳۹، ۸۵۴-۸۵۵). این قوانین معروف به قانون احوال شخصیه بود که در ۳۱ تیر ۱۳۱۲ ش به‌عنوان «اجازیه‌ی رعایت احوال شخصیه‌ی ایرانیان غیرشیعه» به تصویب رسید. طبق این قوانین اقلیت‌ها در مسائل مربوط به نکاح، طلاق، ارث، وصیت و فرزندخواندگی بر اساس رسوم و عادات مذهب خودشان عمل می‌کردند (اشیدری، ۱۳۵۵، ۳۷۵-۴۷۶). پس از آنکه قوانین حصر تنظیم و تصویب شد که بر اساس آن همه‌ی ساکنان کشور اعم از اتباع داخلی و خارجه، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، موظف به اجرای آن می‌شدند، بر طبق این قانون میزان سهم‌الارث ورثه، طبق مذهب اسلام تعیین و در حکم دادگاه تصریح می‌شد. اداره‌ی ثبت نیز باید مطابق این حکم عمل می‌کرد. این حکم بی‌تردید مشکلاتی را به وجود می‌آورد؛ زیرا قانون ارث در شریعت یهود و دیگر ادیان با قانون اسلام تفاوت جدی داشت؛ مثلاً در دین یهودی پس از مرگ پدر خانواده، زن هیچ ارثی نمی‌برد و فقط می‌تواند مهریه‌ی خود را مطالبه کند. به علاوه اگر دختر شخص متوفی شوهر کرده باشد، هیچ سهمی از ارث پدر نخواهد داشت و همه‌ی ارثیه به پسرهای خانواده می‌رسد و این مسئله در اسلام متفاوت است (امینی، ۱۳۸۰، ۶۰۹).

اداره‌کل ثبت اسناد در سال ۱۳۰۸ ش تأسیس شد (همان، ۶۰۶). در قوانین مصوب مجلس مقرر شده بود که همه‌ی عقود و طلاق‌ها و ثبت وصیت‌نامه‌ها باید در دفاتر رسمی، که از طرف وزارت دادگستری مُعین شده بود، به دست مراجع اسلامی انجام شود. این مسئله ممکن بود مشکلاتی از بابت قوانین مذهبی یهودی‌ها و دیگر اقلیت‌ها به وجود

بیاورد؛ به همین دلیل دکتر لقمان نهورای، ارباب کبخسرو، و میرزایانس (نماینده‌ی ارمنیان) این مسئله را پیگیری کردند. پس از مکاتبه، ملاقات و مذاکره با داور و تقاضای مساعدت از رضاشاه، ماده‌واحده‌ای تصویب شد که اقلیت‌ها از دستور فوق مستثنا شدند (لوی، ۱۳۳۹، ۸۵۵-۸۵۶).

۳-۴. اقدامات در زمینه‌ی ثبت احوال

همزمان با نوسازی برای سروسامان دادن به مالیات و ایجاد ارتش، سازمان ثبت احوال نیز شکل گرفت. بعد از تصویب قانون ثبت احوال و زمانی که دولت اعلام کرد همه‌ی مردم به گرفتن سجل و شناسنامه موظف‌اند، انجمن فرهنگی جوانان یهود تهران یا انجمن احیای زبان عبری، اعلامیه‌ای صادر و یهودیان را تشویق کرد که نام و نام‌خانوادگی خود را به عبری انتخاب کنند (همان، ۹۰۵). در مدارس آلیانس بدون ارائه‌ی سجل احوال، فرزندان یهودی را ثبت‌نام نمی‌کردند (ناطق، ۱۳۸۰، ۱۶۴).

بسیاری از یهودیان ایران تا قبل از اجباری شدن تعیین نام‌خانوادگی توسط رضاشاه، دارای نام‌خانوادگی دائم نبودند. انتخاب نام‌خانوادگی از سال ۱۳۰۷ ش/ ۱۹۲۸ م، برای همه‌ی شهروندان اجباری شد. بسیاری از یهودیان ایران، پسوندهای «زاده»، «پور» یا «نژاد» را به اسم پدر (به‌عنوان نام‌خانوادگی) اضافه کردند؛ مانند سلیمان زاده، حییم‌پور. در بعضی موارد جغرافیای محل تولد را انتخاب کردند؛ مانند تهرانی، کرمانیان. بعضی هم نام‌خانوادگی مرتبط با شغل و پیشه‌ی پدران خود انتخاب کردند؛ از آن جمله می‌توان به آیین‌ساز و حمامی اشاره کرد. بعد از انتخاب نام‌خانوادگی بعضی یهودیان مانند یهودیان اشکنازی نام‌های خانوادگی مرتبط با شغل و پیشه‌ی خود انتخاب کردند؛ از آن جمله می‌توان به بلوریان و جواهریان اشاره کرد. بعضی یهودیان از پسوند ترکی «چی» استفاده کردند؛ مانند طلاچی. بعضی دیگر نام‌های خانوادگی مذهبی مربوط به مقام خود در کنیسه انتخاب کردند؛ مثل ربیع‌زاده. بعضی نام‌های عبری استفاده کردند؛ مانند لاوی (Shkalim, 2011; Simnegar, 2012).

نتیجه

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یهودیان در طول تاریخ تابع اوضاع و شرایط سیاسی و اجتماعی ایران بوده است. اقدامات رضاشاه را از لحاظ فرهنگی می‌توان هم مثبت هم منفی ارزیابی کرد. جامعه‌ی یهود در آستانه‌ی تأسیس آلیانس دچار فرسایش فرهنگی بود، اما تأسیس این مدارس به یاری آنان برخاست و فارغ‌التحصیلان این مدارس در تحولات این دوران تأثیرگذار بودند. اصلاحات آموزشی پهلوی مدارس آنها را با چالش‌هایی روبه‌رو ساخت که بعضی این تحولات را به نفع جامعه‌ی یهود تلقی کردند. مدارس آلیانس وضعیت زنان را بهبود بخشید، اما قوانین مربوط به طلاق و ازدواج تغییراتی نسبی ایجاد کرد. از لحاظ اجتماعی نیز اقدامات رضاشاه سیری مثبت برای کلیمیان رقم زد. حوادثی که در دوره‌ی پهلوی اول رخ داد موجبات آزادی و امنیت نسبی یهودیان را فراهم ساخت. آنان از انزوا در محله‌های محدود در مناطق خاص شهرها خارج شدند. محدودیت‌های اشتغال به‌طور رسمی برای آنان برداشته شد، اما برخی اقدامات و اصلاحات به ضرر کلیمیانی بود که دارای مشاغل آزاد بودند و آنها را با چالش‌های اقتصادی مواجه ساخت. وضعیت اقلیت‌های مذهبی در این دوره به‌مراتب بهتر و راحت‌تر بود. آنها از فرصت بهتری برای پیشرفت اقتصادی و ارتقای اجتماعی برخوردار بودند. اقدامات و اصلاحات اقتصادی رضاشاه در تمام جنبه‌های زندگی یهودی‌ها و بیشتر بر مشاغل آنها تأثیر غیرمستقیم گذاشت و باعث شد جایگاه کلیمیان از قشر فرودست اجتماعی به طبقه‌ی متوسط ارتقا یابد.

منابع و مأخذ

- اتابکی، تورج، (۱۳۸۵)، *تجدد آمرانه*، ترجمه‌ی مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
- اشیدری، جهانگیر، (۱۳۵۵)، *تاریخ پهلوی و زرتشتیان*، تهران: ماهنامه‌ی هوخ.
- الول ساتن، ال.پی، (بی‌تا)، *رضاشاه کبیر یا ایران نو*، ترجمه‌ی عبدالعظیم صبوری، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- انه، کلود، (۱۳۶۸)، *اوراق ایرانی خاطرات سفر کلود انه در آغاز مشروطیت*، ترجمه‌ی ایرج پروشانی، تهران: معین.
- اومستد، آلبرت تن آیک، (۱۳۸۳)، *تاریخ شاهنشاهی هخامنشی*، ترجمه‌ی محمد مقدم، تهران: علمی و فرهنگی.
- بصیرت‌منش، حمید، (۱۳۷۵)، *تاریخ معاصر ایران*، کتاب دهم: سیاست مذهبی حکومت رضاشاه، تهران: مؤسسه‌ی پژوهشی و مطالعات فرهنگی.
- بی‌نام، (بی‌تا)، *تاریخ ارتش نوین ایران از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ش*، ج ۱، [بی‌جا]: چاپخانه‌ی ارتش.
- بی‌نام، (۱۳۱۳)، *روزنامه‌ی شفق سرخ*، ش ۲۸۳۱.
- بی‌نام، (۱۳۵۵)، *گاهنامه‌ی تاریخ پنجاه‌ساله‌ی شاهنشاهی*، تهران: نشریه‌ی کتابخانه‌ی پهلوی.
- پیرنیا، حسن، (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران باستان*، تهران: نگاه.
- تاج‌پور، محمدعلی، (۱۳۳۴)، *تاریخ دو اقلیت مذهبی یهود و مسیحیت در ایران*، تهران: مؤسسه‌ی مطبوعاتی فراهانی.
- تورات، کتاب دوم پادشاهان، باب ۱۷، آیه‌ی ۵.
- توکلی، فائزه، (۱۳۸۸)، «پیامدهای اقتصادی کشف حجاب و رکود بازار منطقه‌ی اصفهان»، *فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، سال ۱، ش ۴، صص ۴۱-۶۰.
- ثاقب‌فر، مرتضی، (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران در دوره‌ی پهلوی*، تهران: جامی.
- جعفری، مرتضی، (۱۳۷۱)، *واقع‌ی کشف حجاب*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دیاکونوف، ا.م، (۱۳۴۵)، *تاریخ ماد*، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رینگر، مونیکا ام، (۱۳۸۱)، *آموزش دین و گفتمان اصلاح فرهنگی در دوران قاجار*، ترجمه‌ی مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
- سرشار، هما، (۱۹۹۶م)، *یهودیان ایران در تاریخ معاصر*، ج ۳، کالیفرنیا: مرکز تاریخ شفاهی

یهودیان ایران.

- سرشار، هومن، (۱۳۸۴)، *فرزندان/استر*، ترجمه‌ی مهرناز نصریه، تهران: کارنگ.
- سلطانی، محمدعلی، (۱۳۸۴)، *خاطرات سلطانی از قصر شیرین تا قصر قجر*، تهران: سها.
- سهیم، هایده، (۱۳۷۵)، «خاطرات یهودیان ایران»، *ایران‌نامه*، سال ۱۵، ش ۵۷، صص ۷۶-۵۱.
- شرفی صفا، حبیب، (۱۳۹۶)، «بررسی فعالیت‌ها و جایگاه اجتماعی یهودیان همدان در دوره‌ی قاجار»، *فصلنامه‌ی تاریخ نو*، ش ۱۶، صص ۱۹-۱.
- شفقتی، سیروس، (۱۳۸۱)، *جغرافیای اصفهان*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- شوکراس، ویلیام، (۱۳۸۸)، *آخرین سفرشاه*، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران: ذهن‌آویز.
- صدیق، عیسی، (۱۳۵۲)، *چهل گفتار*، تهران: دهخدا.
- عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران: گستره.
- کرونین، استفانی، (۱۳۸۳)، *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
- گریشمن، رومن، (۱۳۷۲)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه‌ی محمد معین، تهران: علمی و فرهنگی.
- لوی، حبیب، (۱۳۳۹)، *تاریخ یهود ایران*، ج ۳، تهران: کتاب‌فروشی بروخیم.
- _____، (۱۳۸۶)، *گزیده‌ی تاریخ یهود ایران*، لس‌آنجلس: بنیاد فرهنگی حبیب لوی.
- مجد، محمدقلی، (۱۳۸۹)، *رضاشاه و بریتانیا*، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- ناطق، هما، (۱۳۸۰)، *کارنامه‌ی فرهنگی فرنگی در ایران*، تهران: معاصرپژوهان.
- نتصر، آمنون، (۱۹۹۶م)، *پژوهشنامه‌ی یهود ایران*، ج ۱، [بی‌جا]: مزدا.
- وزارت معارف، (۱۳۰۷-۱۳۰۸)، *احصائیه‌ی معارف*.
- ولیس، چارلز جیمز، (۱۳۶۳)، *سفرنامه‌ی چارلز جیمز ولیس*، ترجمه‌ی عبدالله انور، به کوشش جمشید دودانگه و مهرداد نیکنام، تهران: طلوع.
- هاکس، مریت، (۱۳۸۶)، *ایران افسانه یا واقعیت*، ترجمه‌ی محمدحسین نظری‌نژاد و محمدتقی اکبری، مشهد: آستان قدس رضوی.
- همدانی، مشفق، (۱۳۷۰)، *خاطرات نیم‌قرن روزنامه‌نگاری*، [بی‌جا]: [بی‌نا].

اسناد

اسناد منتشرشده

- امینی، تورج، (۱۳۸۰)، *اسنادی از زرتشتیان معاصر*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- سازمان اسناد و مدارک ملی، (۱۳۷۱)، *خسونت و فرهنگ*، تهران: آموزش.
- مختاری اصفهانی، رضا، (۱۳۸۰)، *اسنادی از انجمن بلدی، تجار و اصناف (۱۳۰۰-۱۳۲۰ش)*، ج ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____، (۱۳۸۳)، *گزارش‌های ایالات از اوضاع اجتماعی-اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰هـ.ش*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یزدانی، مرضیه، (۱۳۷۴)، *اسناد مهاجرت یهودیان ایران به فلسطین (۱۳۰۰-۱۳۳۰ش)*، تهران: سازمان اسناد ملی.
- _____، (۱۳۸۰)، *اسناد هیئت‌های باستان‌شناسی در ایران*، تهران: سازمان اسناد ملی.

سازمان اسناد ملی ایران و کتابخانه‌ی ملی

- اظهارات یک مهاجر یهودی به آژانس تلگرافی یهود، (بی‌تا)، شناسه‌ی ۲۹۳/۶۰۰۴، سازمان اسناد ملی.
- اعلان وزارت کشور در مورد منع مهاجرت کلیمیان بوشهر و بنادر خلیج فارس و دیگر شهرها به کشور فلسطین مگر برای زیارت و تجارت، (۱۳۰۱)، شناسه‌ی ۲۹۳/۵۹۴۶، سازمان اسناد ملی.
- کشف اشیای زیر خاکی توسط چند کلیمی، (۱۳۰۶)، شناسه‌ی ۲۹۷/۴۰۶۵، سازمان اسناد ملی.
- دستور به مأمورین قم درخصوص جلوگیری از خرید زیور آلات طلا توسط یهودیان، (۱۳۰۹)، شناسه‌ی ۲۹۳/۶۴۸۸، سازمان اسناد ملی.
- حمل قاچاق مسکوکات طلا و نقره به‌وسیله‌ی یهودیان و عشایر مرزی و نظام‌نامه‌ای در خصوص قاچاق، (۱۳۱۱-۱۳۱۲)، شناسه‌ی ۲۴۰/۴۵۵۲، سازمان اسناد ملی.
- گزارشی راجع به اظهارات یک نفر تاجر عتیقه‌فروش کلیمی ایرانی مبنی بر فروش احجار منقوش تخت جمشید، (۱۳۱۲)، شناسه‌ی ۲۹۷/۳۱۶۸۱، سازمان اسناد ملی.
- گزارش بازرسی دبیرستان اتحاد و آلیانس درخصوص تعداد محصلین، عملکرد معلمان، برنامه‌ی امتحانات سالیانه و تقاضای پرداخت اعانه به مدرسه‌ی مذکور، (۱۳۱۳)، شناسه‌ی ۲۹۷/۱۷۳۱۶، سازمان اسناد ملی.

- بودجه‌ی سال ۱۳۱۳ و هزینه‌های ضروری معارف، (۱۳۱۳)، شناسه‌ی ۲۹۷/۳۳۹۷۶، سازمان اسناد ملی.
- تبعید دو تن از کلیمیان به کرمان به اتهام قاچاق، (۱۳۱۴)، شناسه‌ی ۲۴۰/۴۴۵۲۴، سازمان اسناد ملی.
- بخشنامه‌ی وزارت معارف و اوقاف درخصوص لزوم تعطیلی مدارس کلیمیان در روز جمعه، (۱۳۱۴)، شناسه‌ی ۲۹۷/۸۳۵۳، سازمان اسناد ملی.
- شکایت کسبه اصفهان از کلیمیان دوره گرد، (۱۳۱۵)، شناسه‌ی ۲۹۱/۲۵۸۱، سازمان اسناد ملی.
- مکاتبه در مورد وضعیت تحصیلی چند تن از دانش‌آموزان دبیرستان اتحاد آلیانس و لزوم تعطیل نمودن مدرسه در ایام اعیاد مذهبی، (۱۳۱۶)، شناسه‌ی ۲۹۷/۲۶۵۹۳، سازمان اسناد ملی.

اداره‌ی اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه

- متحدالمال وزارت معارف برای تدریس زبان طایفگی ملل غیرمُسلم، (۱۳۰۶ش)، کارتن ۲، پوشه‌های ۱۰۶ و ۱۰۷، اداره‌ی اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- راپورت اداره‌ی معارف کرمانشاهان درباره‌ی پروگرام مدرسه‌ی آلیانس، (۱۳۳۴ق)، کارتن ۲۹، پوشه‌ی ۱۰، اداره‌ی اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- شکایت وزارت معارف از مدرسه‌ی آلیانس مبنی بر رعایت پروگرام، (۱۳۳۶ق)، کارتن ۲۸، پوشه‌ی ۱۷، اداره‌ی اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- راپورت اداره‌ی معارف همدان در تعطیل نمودن ایام جمعه‌ی مدرسه‌ی کلیمیان، (۱۳۳۶ق)، کارتن ۲۷، پوشه‌ی ۱۷، اداره‌ی اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.

- Bonine, Michael E; Keddie, Nikki, (1981), *Modern Iran*, New York: State University. available: www.Book.google.com (Downloaded: 2013/06/06).
- Rahimiyan, Orly R., (2012), "Judeo-Persian Communities vi. The Pahlavi Era (1925-1979)", *Encyclopædia Iranica*, XV/2, pp.124-132. available: www.iranicaonline.org (Downloaded: 2012/12/13).
- Soomekh, Sba, (2012), *three Gnerations of Iranian Jewish Women*, Published by State university of New York, Press. available: www.Book.google.com (Downloaded: 2013/06/06).
- Shkalim, Esther, (2011), *The Family Names of Iranian Jews*. available: www.bh.org (Downloaded: 2019/10/16).
- Simnegar, Reyna, (2012), *The Jews of Iran*. available: www.chabad.org (Downloaded: 2019/10/16).
- Loeb, D. Laurence, (2011), *Jewish Life in Southern Iran*, by Routledge 20 Madison Avenue, New York. available: www.Book.google.com (Downloaded: 2013/06/06).



رضا شاه و دیدار دانش‌آموزان و معلمان مدرسه آلیانس همدان، ۱۹۳۶م.

برگرفته از وب‌گاه: <http://www.iranicaonline.org>



جشن مدرسه‌ی دختران، اصفهان، ۱۹۳۶م.

برگرفته از وب‌گاه: <http://www.iranicaonline.org>



دانش‌آموزان، معلمان و مدیران مدرسه، همدان، ۱۹۲۷م.

برگرفته از وب‌گاه: <http://www.iranicaonline.org>



یکی از مدارس کلیمیان بعد از کشف حجاب، محل نگهداری: مرکز اسناد همدان، شماره‌ی بازیابی:

۷۶۴/۹۱ شماره‌ی مدرک: ۲۹۸۸۳۸۳



دانش‌آموزان یهودی با لباس فرم و کلاه پهلوی، یزد، ۱۹۳۱م.

برگرفته از وب‌گاه: <http://www.iranicaonline.org>



محلله‌ی قدیمی کلیمیان تهران در سال‌های آغازین پهلوی اول

برگرفته از وب‌گاه: <https://www.cgie.org.ir>

Paris, le 2 avril 33

مقام محترم رئیس بیت وندراف در طهران

با کمال احترام مقام آن محترم را مستحضر می‌دارم و بدین است

می‌بینم که فی‌الوقت کلی از تقسیم زمین به موجب الم لا یبغیانی

بغیر از آنکه آنست که در گذشته شش قطعه را در دست می‌گذاشته و باقی

از طرف رد می‌گذاشته زمین به طرف او برادرش حایم و آید شش

در باریس (Parsamunore) (۲۴۴۴) است

و حسب الم لا یبغیانی از برای برادر خود شش لایبغیانی را حسب

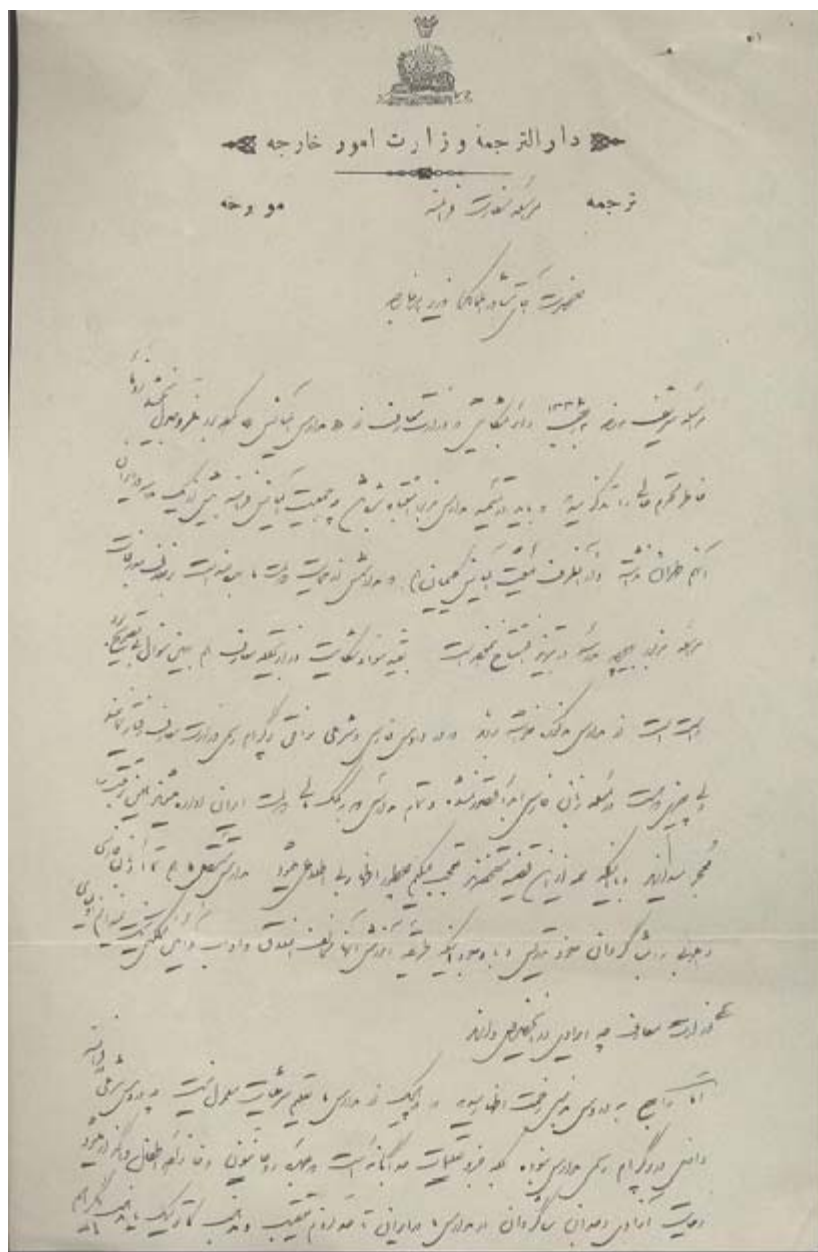
از طهران یا از ولایت که به می‌گذاشته در پستانه فرستاده که

اگر من متفرق می‌نویسد روی بسته

البته از آن مقام محترم خواهش می‌شود که به جهت از این باجی

شود و ضرورت محبت از این نزد

سازمان اسناد ملی ایران، شناسه‌ی سند: ۲۹۱/۲۵۸۱، سال ۱۳۱۵ ش.



آرشیو اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، کارتن ۲۸، پوشه ۱۷، ۱۳۳۶ ق.

تأثیر اقدامات رضاشاه در وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کلیمیان | ۱۳۱



خانواده راسک، همدان، ۱۹۲۷

برگرفته از وبگاه: <https://dbs.anumuseum.org>